

قراردادهای مشارکت حوزه حفاری چاههای نفت و گاز

فریده شعبانی جهرمی^{۱*}، فرید شعبانی جهرمی^۲

۱. استادیار دانشکده حقوق پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران
۲. دانشجوی دکتری حقوق نفت و گاز، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۱)

چکیده

حفاری چاههای نفت و گاز مستلزم به‌کارگیری دستگاه‌های حفاری و بهره‌مندی از خدمات تخصصی این حوزه، از جمله خدمات فنی چاه و خدمات پشتیبانی، است که این امر از طریق انعقاد قراردادهای حفاری صورت می‌پذیرد. در کنار قراردادهای اصلی حفاری، قراردادهایی فرعی در قالب مشارکت بین کارفرمایان یا پیمانکاران با اهداف مختلف، از جمله کاهش هزینه‌ها و دستیابی کارآمدتر به اهداف عملیاتی، منعقد می‌شود. قراردادهای یادشده انواع مختلف دارند. برخی از این قراردادها بر مفاهیم رایج مشارکت مبتنی‌اند. اما، به طور کلی همه قراردادهای مشارکت حوزه حفاری اقتضانات خاص متناسب با این بخش از صنعت نفت و گاز را دارند.

کلیدواژه‌گان

قرارداد اتلافی، قرارداد به‌اشتراک‌گذاری دستگاه حفاری، قرارداد حفاری، قرارداد حفاری مشترک.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

حفاری چاه‌های نفت و گاز یکی از عملیات بالادستی است که به منظور دستیابی به اهداف اکتشافی و توسعه‌ای میادین انجام می‌شود. در حوزه بالادستی صنعت نفت و گاز، علاوه بر قرارداد اصلی، که اصولاً بین شرکت‌های ملی نفت^۱ و شرکت‌های نفتی بین‌المللی^۲ منعقد می‌شود، قراردادهای دیگری نیز هم‌سو با آنها، به عنوان قراردادهای فرعی، بسته می‌شوند. هیچ شرکت نفتی قادر به انجام دادن همه فعالیت‌های حوزه اکتشاف و توسعه و اجرای خدمات مورد نیاز نیست. ازین‌رو، موضوع انعقاد قراردادهای مختلف برای خدماتی همانند لرزه‌نگاری، تأمین شناورها یا وسایل حمل‌ونقل مورد نیاز، و ... مطرح می‌شود. قراردادهای حفاری از قراردادهای فرعی است که بین شرکت‌های نفتی بین‌المللی و شرکت‌های حفاری منعقد می‌شود. این دسته از قراردادهای حفاری تحت عنوان قراردادهای اصلی حفاری شناخته می‌شوند که اجرای عملیات حفر چاه در محل تعیین شده را فراهم می‌کنند.

در پروژه‌های حفاری با توجه به اقتضائات فنی و عملیاتی، از جمله حجم پروژه و تعداد چاه‌های تعیین شده و محل قرار گرفتن آنها، ممکن است موضوع همکاری شرکت‌های نفتی (به عنوان کارفرما) یا شرکت‌های حفاری (به عنوان پیمانکار) در قالب مشارکت مطرح شود. در تقسیم‌بندی سنتی قراردادهای حفاری، قراردادهای اصلی عملیات حفاری، اعم از قراردادهای روزانه^۳ و عمقی^۴ و کلید در دست^۵، مبنای اجرای پروژه‌های حفاری قرار می‌گیرد که مبتنی بر تقابل تعهدات و منافع کارفرما و پیمانکار است. در این دسته از قراردادها هدف اصلی اجرای شرح کار پیش‌بینی شده توسط پیمانکار است، بدون اینکه طرفین به دنبال هم‌افزایی باشند. بنابراین، در کنار قراردادهای اصلی عملیات حفاری قراردادهایی مبتنی بر همکاری یا مشارکت بین طرفین قرارداد یا قراردادهای اصلی حفاری با اهداف اجرایی و اقتصادی و عملیاتی، به منظور افزایش توانمندی یا کاهش هزینه‌ها یا دستیابی به اهداف خاص پروژه، منعقد می‌شود. از این دسته قراردادها تحت

-
1. National Oil Company (NOC)
 2. International Oil Company (IOC)
 3. Day rate
 4. Footage
 5. Turnkey

عنوان قراردادهای مشارکت یا همکاری در حوزه حفاری یاد می‌شود. این قراردادها با توجه به پیچیدگی‌های فنی و عملیاتی در مطالعات حقوقی مغفول مانده‌اند که این موضوع ضرورت بررسی آن‌ها را ایجاب می‌کند.

با توجه به اینکه ممکن است مشارکت بین کارفرمایان یا پیمانکاران باشد، می‌توان قراردادها را به سه دسته کلی مشارکت کارفرمایان (شرکت‌های نفتی)، مشارکت پیمانکاران، و مشارکت کارفرمایان و پیمانکاران تقسیم کرد. در این مقاله تلاش می‌شود، ضمن بررسی انواع مختلف قراردادهای مشارکت این حوزه، به این موضوعات پرداخته شود که اقتضانات خاص قراردادهای مشارکت حوزه حفاری چیست و در زمان تنظیم این قراردادها به چه بندها و مقرره‌هایی باید توجه شود.

قراردادهای مشارکت بین کارفرمایان

شرکت‌های نفتی طرف قراردادهای حوزه اکتشاف و تولید برای اجرای برنامه‌های اکتشافی و توسعه‌ای مقرر شده نیازمند به‌کارگیری پیمانکاران مختلف، از جمله پیمانکاران حفاری، هستند. ازین‌رو، در مقام کارفرما از خدمات مختلف بهره‌مند می‌شوند. در حوزه حفاری ممکن است کارفرمایان فارغ از نحوه به‌کارگیری پیمانکاران مورد نیاز به دلایلی چند، به‌ویژه کاهش هزینه‌ها و دستیابی به اطلاعات مورد نیاز و اهداف عملیاتی، اقدام به مشارکت با یک‌دیگر کنند. قراردادهای این بخش شامل قرارداد به‌اشتراک‌گذاری دستگاه حفاری و قرارداد حفاری مشترک است.

قراردادهای به‌اشتراک‌گذاری دستگاه‌های حفاری

قرارداد به‌اشتراک‌گذاری دستگاه حفاری^۱ یکی از قراردادهای مشارکت بین کارفرمایان حفاری است. به موجب این قرارداد، دو یا چند کارفرما در زمینه به‌کارگیری یک دستگاه حفاری برای مدتی مشخص توافق می‌کنند. چنین توافقاتی ممکن است به دلایل خاصی انجام شود؛ از جمله بالا بودن هزینه انتقال دستگاه (تجهیز^۲) به منطقه عملیاتی برای یک کارفرما با کار محدود، کمیاب بودن نوع خاصی از دستگاه حفاری، داشتن برنامه حفاری بدون تمایل به حفر مستمر چاه (Moomjian 2012:

1. Rig Sharing Agreement
2. Mobilization

10). همچنین، در صورت کم بودن عرضه دستگاه حفاری، وجود رکود اقتصادی و موجه نبودن انعقاد قرارداد طولانی مدت دستگاه حفاری و مایل نبودن پیمانکاران حفاری به انعقاد قراردادهای کوتاه مدت موجب طرح موضوع به اشتراک گذاری دستگاه حفاری می شود. بنابراین، استفاده از این نوع قرارداد، اگرچه پیچیدگی هایی دارد، می تواند متضمن منافع چشمگیری برای طرفین قرارداد باشد. قرارداد به اشتراک گذاری دستگاه های حفاری ریسک اقتصادی قراردادهای طولانی مدت حفاری را کاهش می دهد. با وجود این، مذاکره غیردقیق می تواند موجب افزایش ریسک کارفرمایان شود. با توجه به انعقاد قرارداد حفاری بین هر کارفرما و پیمانکار، بهتر است قرارداد به اشتراک گذاری دستگاه به صورت هماهنگ و همزمان با این قراردادها مذاکره شوند.

قرارداد به اشتراک گذاری دستگاه حفاری بین دو یا چند کارفرما و یک پیمانکار منعقد می شود. در این قرارداد هر کارفرما در خصوص مدت زمان استفاده از دستگاه، هزینه متناسب با آن، و دوره های انتقال در طول مدت قرارداد توافق می کند. طبق قرارداد به اشتراک گذاری دستگاه حفاری، هر یک از طرفین متعهد به به کارگیری دستگاه در دوره ای خاص می شود. پرداخت بخشی از نرخ های روزانه، هزینه تجهیز، برچیدن، و سایر هزینه های مربوطه به تناسب استفاده هر طرف تعیین می شود. ممکن است قرارداد به تفصیل به تعیین دوره های زمانی پردازد یا فقط با ایجاد چارچوبی تعیین دوره های زمانی را به بعد موکول کند. بنابراین، قرارداد انتقال دستگاه را پیش بینی می کند و صرفاً نیازمند اعلام به پیمانکار است. با وجود این، ممکن است قرارداد در زمان اجرا با پیچیدگی هایی مواجه شود. گاه این احتمال وجود دارد که یکی از کارفرمایان برنامه حفاری خود را تغییر دهد و مایل به ادامه فعالیت دستگاه پس از انقضای زمان تخصیص یافته باشد یا از دوره اختصاصی صرف نظر کند. در این صورت کارفرمای مربوطه باید با طرف دیگر، که متأثر از این تغییر خواهد بود، مذاکره و توافق کند. در این شرایط قرارداد نیازمند تغییر خواهد بود. بنابراین، برای جلوگیری از مشکلات احتمالی دوره های ثابت، طرفین باید اقدام به مذاکره و انعقاد قراردادی منعطف کنند. از موارد دیگری که در این قراردادها باید به دقت بررسی و تنظیم شود امکان تمدید قرارداد، حقوق طرفین در این خصوص، و تأثیرات مالی آن است.

1. Decommissioning

از مسائل مهم و قابل توجه در این نوع قراردادها مسئول نبودن کارفرمایان به صورت منفرداً و متضامناً در مقابل پیمانکار حفاری است. این امر موضوعی اساسی برای شرکت‌های نفتی (کارفرمایان) است. زیرا در صورت پذیرفته نشدن این شرط، انعقاد قرارداد امکان‌پذیر نخواهد بود. حتی در صورت پذیرش مسئولیت منفرد نیز مسائل مربوط به تعهدات بین کارفرمایان و پیمانکاران حفاری و همچنین روابط کارفرمایان با یک‌دیگر باید به طور دقیق تنظیم شود (Pugh 2012: 3).

علاوه بر مسئولیت هر یک از کارفرمایان در مقابل پیمانکار حفاری، نحوه و زمان انتقال مسئولیت بین کارفرمایان از اهمیت بسزایی برخوردار است. در هر زمان، صرفاً یک کارفرما از نظر پرداخت‌ها و سایر تعهدات قراردادی مسئولیت دارد. بنابراین، باید روشن شود که چه زمانی یکی از اعضای مشارکت عضو فعال شناخته می‌شود یا تحت قرارداد حفاری ملزم و متعهد می‌شود. مثلاً در صورتی که عملیات دستگاه در محل حفاری یکی از کارفرمایان خاتمه یابد، اما، قبل از انتقال به محل حفاری طرف دیگر دچار فورس مازور شود، پرداخت‌های مربوط به این دوره بر عهده کدام یک از کارفرمایان است. در قرارداد باید زمان آغاز تعهد هر یک از طرفین به عنوان کارفرما تحت قرارداد حفاری و پذیرش ریسک‌های مترتبه مشخص شود. اصولاً در قراردادها زمان تکمیل چاه و برچیدن دستگاه به منزله زمان انتقال آن پیش‌بینی می‌شود. علاوه بر این، لازم است به موضوع نحوه انتقال و لزوم صدور اعلامیه در قرارداد توجه شود. برخی از این موارد هم در قرارداد حفاری هم در قرارداد به اشتراک‌گذاری دستگاه ذکر می‌شود.

در صورتی که مشارکت طرفین قرارداد به اشتراک‌گذاری دستگاه بر مبنای روز [به جای چاه] باشد^۱، طرفین باید به تأثیر مدت زمان تعمیرات بر مدت قرارداد و ممکن یا غیرممکن بودن تمدید آن

۱. قراردادهای حفاری از قراردادهایی هستند که اجرای تعهدات آن‌ها نیازمند صرف زمان است. در این قراردادها، «زمان» ظرف انجام دادن تعهدات است. بنابراین، با توجه به هدفی که طرفین دنبال می‌کنند، ممکن است مدت‌زمان مشخصی برای انجام دادن تعهدات در قرارداد پیش‌بینی شده باشد. مثلاً، یک سال یا تعداد چاه‌هایی که باید حفر شود در قرارداد مشخص شود. همچنین، ممکن است دو مبنای زمان و حفر تعداد چاه (در قراردادهای عملیات حفاری) در نظر گرفته شود؛ که در این فرض، با حادث شدن هر یک از دو مبنا، قرارداد خاتمه می‌یابد. مثلاً، در فرض پیش‌بینی مدت‌زمان دو سال و حفر پنج حلقه چاه، در صورتی که پنج حلقه چاه ظرف یک سال حفر شود، قرارداد خاتمه می‌یابد. ازین‌رو، برنامه چاه باید متناسب با مدت‌زمان پیش‌بینی شده باشد.

را توجه کنند. همچنین، لازم است در قرارداد به صراحت مشخص شود در صورتی که سایر طرفین تمایل به تمدید قرارداد نداشته باشند آیا امکان تمدید به صورت کلی یا جزئی توسط یکی از طرفین وجود دارد یا خیر. مناسب‌ترین دیدگاه این است که حداکثر انعطاف‌پذیری پیش‌بینی شود و رویه لازم برای اعطای اختیار تمدید، حتی در صورت راغب بودن سایرین، وجود داشته باشد.

علاوه بر این لازم است طرفین درباره نحوه توزیع ریسک‌های انتقال نیز توافق کنند. احتمال دارد انتقال بدون توجه به وضعیت دستگاه (که ممکن است در نتیجه به‌کارگیری قبلی باشد) صورت گیرد. در این شرایط حقوق طرف دریافت‌کننده دستگاه تحت قرارداد حفاری تعیین می‌شود و ممکن است مطابق قرارداد از نرخ‌های کاهش یافته بهره‌مند شود.

نکته قابل توجه دیگر در این قرارداد مربوط است به الزامات اعلام و بازرسی قبل از انتقال دستگاه بین طرفین. بدین منظور لازم است رویه‌ای دقیق برای مواردی که امکان رد دستگاه از سوی طرفین وجود دارد تهیه شود. علاوه بر این، باید رویه‌هایی ناظر به تغییر یا اصلاح مدت‌زمان و نحوه ارتباطات و مکاتبات در زمینه مسائل مربوط به دستگاه (مثلاً به‌روزرسانی بخشی از دستگاه) تهیه شود.

اصولاً در قراردادهای حفاری حقوقی همانند فسخ قرارداد، تعلیق اجرای عملیات، پرداخت نشدن حق‌الزحمه در صورت نقض تعهدات از سوی هر یک از طرفین پیش‌بینی می‌شود. اما وجود بیش از یک کارفرما موجب پیچیدگی این شروط در قرارداد می‌شود. اصولاً، پیمانکار حفاری تمایلی به انصراف از حق فسخ خود در رابطه با کارفرمای ناقض تعهدات ندارد. از سوی دیگر کارفرمایان نیز منفرداً و متضامناً مسئول نیستند و تعهدی به پرداخت و اجرای تعهدات یک‌دیگر ندارند. در این صورت باید قائل به تفکیک قرارداد و امکان فسخ در خصوص کارفرمای ناقض تعهدات شویم. با توجه به شراکت طرفین این موضوع می‌تواند تبعاتی داشته باشد. مثلاً ممکن است کارفرمایان دیگر برای اجرای عملیات حفاری آماده نباشند. بهترین راهکار برای سایر کارفرمایان تغییر ندادن زمان‌بندی توافق‌شده است. در این صورت پیمانکار ناگزیر به کارایی برای دستگاه در آن دوره است که این

۱. «توزیع قراردادی ریسک» بخشی از مفهوم مدیریت ریسک است. توزیع ریسک ارزش قرارداد برای طرفین را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Smith et al 2010: 670).

روش اصولاً مورد پذیرش پیمانکار نیست. راه حل دیگر این است که طرفین (پیمانکار و سایر کارفرمایان) ریسک روزهای استفاده نشده را بین خود تقسیم کنند. در هر حالت طرفین ممکن است علیه کارفرمای ناقض تعهدات به دلیل خسارات متحمل‌ه اقامه دعوا کنند.

در صورتی که نقض تعهد از سوی پیمانکار باشد، کارفرمایان می‌توانند در خصوص ادامه یا خاتمه قرارداد توافق کنند. اما، در صورت اختلاف نظر بین آن‌ها مشکلاتی بروز خواهد کرد. هیچ‌یک از کارفرمایان تمایل ندارند طرف دیگر حق یک‌جانبه فسخ قرارداد را داشته باشد. اینکه هر یک از طرفین بتواند قرارداد را در رابطه با خود فسخ کند به تأثیر آن بستگی دارد. در صورتی که فسخ یکی از کارفرمایان منجر به لزوم به‌کارگیری پیش از موعد دستگاه توسط سایر کارفرمایان شود سبب اعتراض آن‌ها خواهد شد. بنابراین، همه این موضوعات باید در طول مذاکرات مشخص و تعیین تکلیف شوند. اصولاً در قراردادهای حفاری توزیع قراردادی ریسک از طریق بندهای پذیرش مسئولیت^۱ و بیمه صورت می‌گیرد. این دسته از قراردادها نیز مستثنا نیستند. بنابراین، با توجه به پیچیدگی‌های این دسته از قراردادها این شروط باید به طور دقیق و با توجه به ساختارهای پذیرش مسئولیت مورد نظر هر یک از اعضای قرارداد به اشتراک گذاری دستگاه حفاری و پیمانکار حفاری تنظیم شوند. کارفرمایان باید برای اجتناب از محقق نشدن اهداف مورد نظر شروط پذیرش مسئولیت به شروط مربوطه در قراردادهای حفاری و قراردادهای خدمات توجه کنند. با عنایت به اینکه هر یک از کارفرمایان ممکن است در قراردادهای مبنایی خود دارای شروط پذیرش مسئولیت متفاوتی باشند، مذاکره قراردادهای به اشتراک گذاری دستگاه پیچیده‌تر می‌شود.

شروط پذیرش مسئولیت پیمانکار حفاری ناظر به دعاوی مربوط به صدمات یا مرگ نیروهای خود و خسارت به دستگاه حفاری و سایر تجهیزات باید همه کارفرمایان، اعم از کارفرمایانی که از دستگاه استفاده می‌کنند و سایرین، را تحت پوشش قرار دهد. اما در مقابل مناسب نیست که پیمانکار حفاری از عدم مسئولیت کامل در مقابل یک کارفرما در زمان اجرای عملیات برای کارفرمای دیگر

1. Indemnity Clause

پذیرش مسئولیت «تعهدی جهت حفاظت یا مبرا کردن از خسارت، بازپرداخت آنچه از بین رفته یا آسیب دیده، و پرداخت غرامت برای ضرر است.» (Lafrentz v. M & L Leasing, ABQB 714 (Can LII) 2000).

بهره‌مند شود. مثلاً خسارت به تجهیزات کارفرمایان در زمان انتقال دستگاه به محل حفاری باید از پوشش شرط پذیرش مسئولیت کارفرمایان خارج شود. همچنین در صورتی که در زمان انجام گرفتن عملیات برای یکی از کارفرمایان، در نتیجه تقصیر پیمانکار حفاری، پیمانکار خدمات چاه دچار صدمه شود، مسئولیت باید توسط کارفرمایی پذیرفته شود که پیمانکار حفاری در حال اجرای عملیات برای او بوده است. بنابراین، در چنین شرایطی سایر کارفرمایان باید مصون شوند.

اصولاً در قراردادهای به اشتراک‌گذاری دستگاه، شروط پذیرش مسئولیت به صورت متقابل و موسع^۱ بین اعضای مشارکت تنظیم می‌شود. با وجود این، ضروری است قراردادهای اصلی طرفین و تغییرات احتمالی آن‌ها نیز مدنظر قرار گیرد. مثلاً ممکن است لازم باشد کارفرمایان مشارکت و پیمانکاران آن‌ها در قالب گروه در قرارداد فعلی کارفرما مصون شوند. همچنین، لازم است دعاوی پیمانکار حفاری و پیمانکاران فرعی، که باید مستقیم تحت قرارداد حفاری قرار گیرند، از شرط پذیرش مسئولیت قرارداد به اشتراک‌گذاری دستگاه استثناء شوند.

قراردادهای حفاری مشترک

دسته دوم از قراردادهای مشارکت کارفرمایان قراردادهای حفاری مشترک^۲ است. در صورتی که در نتیجه مطالعات و بررسی‌های زمین‌شناسی و لرزه‌نگاری مشخص شود میدانی دربردارنده نفت و گاز است، برای تأیید این موضوع باید چاه حفر شود. چنانچه شرکت‌های نفتی بین‌المللی در بخش‌ها و فازهای تحت امتیازنامه یا قرارداد خود، که مجاور یک‌دیگر قرار دارند، به وجود یک مخزن تحت آن

۱. در این شرط هر یک از طرفین مسئولیت خسارت و صدمه به اموال و نیروها و پیمانکاران فرعی خود را می‌پذیرد. در بیشتر قراردادها، به‌ویژه قراردادهای پیچیده، از شرط پذیرش مسئولیت به صورت متقابل استفاده می‌شود. این شرط اصولاً به صورت موسع و متقابل مورد توافق قرار می‌گیرد که اصطلاحاً به آن knock for knock (شرط پذیرش مسئولیت متقابل موسع) می‌گویند. تعهدات طرفین در این شرط بدین شرح است: الف) هر یک از طرفین قرارداد مسئول تلف یا خسارت یا مرگ یا صدمه به اموال یا نیروهای خود یا اموال یا نیروهای سایر پیمانکاران خود یا پیمانکاران فرعی آن‌ها یا اشخاص ثالث است؛ ب) چنین مسئولیتی بدون مراجعه به طرف دیگر حتی با وجود تقصیر یا سهل‌انگاری وجود دارد؛ ج) هر یک از طرفین باید در خصوص موضوعاتی که مسئولیت خسارات آن‌ها را پذیرفته متناظراً طرف دیگر را از مسئولیت مبرا و مصون کند (Rainey QC 2015: 69-70).

2. Joint Drilling Agreement

دو بخش پی ببرند، تلاش می‌کنند اقدامات بعدی (از جمله حفر چاه‌های توصیفی) را جهت اطمینان از وجود مخزن با همکاری یکدیگر انجام دهند. بنابراین، از نظر فنی بهترین مکان برای حفر چاه توصیفی مورد نظر تعیین و قرارداد چاه مشترک منعقد می‌شود. این قرارداد یک مرحله قبل از قرارداد توسعه یکپارچه است.^۱ به موجب این قرارداد یکی از شرکت‌ها اقدام به حفاری چاه می‌کند و سایرین به نسبت توافق شده در هزینه‌ها مشارکت می‌کنند. اصولاً راهبر^۲ در این قرارداد راهبر بخشی است که چاه در آن واقع شده است (Jennings 2004: 91). این قرارداد هیچ‌گونه حقی برای طرفین در خصوص امتیازنامه‌ها یا قراردادهای اصلی دیگران ایجاد نمی‌کند. مهم‌ترین بندهای این قرارداد مربوط است به چاه، راهبر، تقسیم هزینه‌ها، مسئولیت‌ها، عدم توافق، و خاتمه.

در قرارداد حفاری مشترک لازم است حوزه فعالیت‌هایی که راهبر دارای اختیار اجرای آنهاست به طور دقیق تعریف شود. همچنین، الزامات و رویه‌هایی که راهبر در جریان اجرای تعهداتش باید رعایت کند در قرارداد مشخص و شفاف شود. همچنین، در بند ناظر به چاه، ضمن تعریف دقیق از چاه، عملیات و حوزه فعالیت‌های حفاری مشخص می‌شود. علاوه بر این، ضروری است به موضوعاتی از قبیل نحوه انتخاب دستگاه، زمان برپایی دستگاه، عمق مورد نظر، و نحوه رویارویی با مشکلات سازند^۳ نیز پرداخته شود. در قرارداد حفاری مشترک نحوه تقسیم هزینه‌ها نیز مشخص می‌شود که در صورت فقدان شرایط خاص معمولاً مساوی است. اصولاً راهبران مسئول هزینه‌های ناشی از تقصیر عمدی یا سنگین خود شناخته می‌شوند. علاوه بر این، با توجه به شرایط تجاری، ممکن است برای مسئولیت‌های طرفین سقف پیش‌بینی شود.

طرفین به موجب شروط پذیرش مسئولیت موسع یکدیگر را در مقابل دعاوی ناظر به هزینه‌ها در ارتباط با خسارات مخزن یا خسارات تبعی بدون توجه به تقصیر مبرا می‌کنند. این شروط تقصیر عمدی را شامل نمی‌شود.

۱. برای مطالعه بیشتر ← عبدالحسین شیروی، حقوق نفت و گاز، میزان، ۱۳۹۳، ص ۳۷۶.

۲. نقش اصلی راهبر مدیریت عملیات پروژه و دارایی‌ها به صورت کارآمد (Jennings et al 2000: 229) و تولید هیدروکربن به صورتی ایمن، بدون وقفه، اقتصادی و سازگار با محیط زیست است. به بیان دیگر، راهبر دارای اختیار کنترل پروژه و مسئول مدیریت روزانه عملیات و فعالیت‌های مربوطه است.

3. Formation

در شرط ناظر به عدم توافق نیز پیش‌بینی می‌شود که در صورت به توافق نرسیدن طرفین در خصوص فعالیت‌هایی که در شرح کار قرارداد انجام گرفتن آن مشروط به توافق طرفین شده است، هر یک از طرفین می‌تواند به هزینه خود آن را انجام دهد. باید خاطر نشان کرد که این فعالیت نباید در اجرای عملیات مشترک مشکل یا خللی ایجاد کند. الزاماتی نیز در خصوص هزینه‌ها، نحوه محاسبه آن‌ها، و ارائه اطلاعات ناشی از فعالیت‌ها و محرمانگی در این قرارداد پیش‌بینی می‌شود.

اصولاً قرارداد حفاری مشترک با تکمیل فعالیت‌های تعریف‌شده به موجب قرارداد خاتمه می‌یابد. نقض تعهدات (از جمله تعهد ناظر به پرداخت)، فورس ماژور، و واگذاری قرارداد نیز می‌تواند از علل فسخ و خاتمه قرارداد باشد.

قراردادهای مشارکت بین پیمانکاران در حوزه حفاری

در مقابل امکان شکل‌گیری مشارکت و تحقق همکاری بین کارفرمایان پروژه‌های حفاری، مشارکت بین پیمانکاران این حوزه نیز مانند سایر پروژه‌های بالادستی و پایین‌دستی صنعت نفت و گاز امکان‌پذیر است. در این زمینه پیمانکاران با هدف هم‌افزایی، افزایش قدرت رقابتی، یا کاهش هزینه‌ها به طور مشترک و با مشارکت یک‌دیگر به اخذ و اجرای پروژه‌ها اقدام می‌کنند. از این رو، با توجه به نحوه واگذاری این قبیل پروژه‌ها ممکن است موضوع مشارکت آن‌ها در مرحله پیش از واگذاری قرارداد و زمان انعقاد قرارداد اصلی مطرح شود.

قراردادهای شرکت در مناقصه به صورت مشترک

قرارداد شرکت در مناقصه به صورت مشترک قراردادی است که گروهی از اشخاص فعال در این حوزه به منظور شفاف‌سازی و تنظیم روابط خود برای ارائه پیشنهاد و شرکت در مناقصه منعقد می‌کنند. این قرارداد مبنای ارائه پیشنهاد از سوی طرفین است و روابط آن‌ها را در دوره پیش از اعطای پروژه تنظیم می‌کند. با انعقاد قرارداد شرکت در مناقصه، طرفین فرصت کافی برای مذاکره قرارداد مشارکت ناظر به مرحله اجرای پروژه خواهند داشت. در این قرارداد میزان و نحوه مشارکت طرفین تعیین می‌شود. مذاکره و توافق در خصوص شروط قرارداد شرکت در مناقصه، به صورت مشترک، به شناسایی موضوعات اختلافی پیش از اعطای پروژه می‌انجامد (Haghegh

32: 2016). این موضوع دستیابی به توافق در مرحله مذاکره قرارداد مشارکت ناظر به مرحله اجرای پروژه را تسهیل می‌کند. ممکن است از ابتدا طرفین قرارداد جوینت ونچر منعقد کنند و نحوه مشارکت در مرحله شرکت در مناقصه را نیز در آن پیش‌بینی کنند. اما، با توجه به زمان‌بر بودن توافق در خصوص مسائل پیچیده مشارکت و همچنین امکان محدود کردن مشارکت به پروژه‌ای خاص، طرفین ترجیح می‌دهند قرارداد مشارکت در مناقصه را به صورت مستقل منعقد کنند. معمولاً در مناقصات یکی از الزامات مناقصه‌گزاران ارائه قرارداد مبنای مشارکت برای اشخاصی است که به طور مشترک در مناقصه شرکت می‌کنند.

برخلاف قرارداد مشارکت برای اجرای پروژه، این مشارکت از نظر زمانی محدودتر است. در صورت زمان‌بر شدن تنظیم قرارداد مشارکت ناظر به دوره اجرا، طرفین ممکن است توافق کنند که در صورت اخذ پروژه قرارداد شرکت در مناقصه تا نهایبی شدن توافقات طرفین ادامه یابد. در این نوع قرارداد اصولاً کمیته‌ای متشکل از طرفین یا نمایندگان آن‌ها برای تهیه پیشنهاد به منظور شرکت در مناقصه تشکیل می‌شود. غالباً یکی از طرفین نیز به عنوان نماینده سایرین یا رهبر مشارکت برای انجام دادن مکاتبات، ارائه پیشنهاد، و کلاً پیگیری امور تعیین می‌شود.

قراردادهای شرکت در مناقصه شکل ساده‌ای از قرارداد جوینت ونچر است که هدف آن تنظیم روابط طرفین و ارائه پیشنهاد مشترک برای اخذ پروژه حفاری است. در این قرارداد، اگرچه مسئولیت در مقابل اشخاص ثالث تضامنی است، حوزه مسئولیت هر یک از طرفین در روابط داخلی مشخص می‌شود. در واقع، در روابط داخلی مسئولیت انفرادی حاکم است. این قرارداد در بردارنده مشخصات طرفین، پروژه(های) مورد نظر، نحوه تخصیص هزینه‌های مناقصه، و نحوه مدیریت روابط طرفین است. در این قرارداد در خصوص اصول کلی حاکم بر مشارکت طرفین حتی در مرحله اجرای پروژه (در صورت واگذاری) و همچنین مبنای مشارکت آن‌ها توافق می‌شود. ممکن است این نوع قرارداد برای پروژه خاص یا برای مدت زمان مشخص به منظور شرکت در مناقصات با موضوع مشخص منعقد شود. مهم‌ترین شروط قراردادهای شرکت در مناقصه به طور مشترک به جز شروط مشترک (قانون حاکم، حل و فصل اختلافات، اطلاعات و مکاتبات، و ...) در ادامه می‌آید.

موضوع

در قراردادهای شرکت در مناقصه همواره بندی تحت عنوان موضوع وجود دارد که اصولاً مباحثی از قبیل جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات مورد نیاز، ارائه پیشنهاد، و لزوم انعقاد قرارداد مشارکت برای اجرا در صورت واگذاری پروژه را شامل می‌شود.

میزان مشارکت طرفین

در این بند میزان مشارکت طرفین و به همان نسبت تعداد آرا و همچنین مشارکت آن‌ها در هزینه‌ها مشخص می‌شود. مثلاً در پروژه‌های حفاری با توجه به لزوم تأمین دستگاه حفاری، تأمین نیروی انسانی مورد نیاز، و در برخی موارد تأمین منابع مالی هر یک از طرفین مشارکت عهده‌دار ارائه آن‌ها می‌شود.

نحوه ارائه پیشنهاد

در این بند چارچوب، برنامه زمان‌بندی، و نحوه تصمیم‌گیری در خصوص ارائه پیشنهاد و شرکت در مناقصه مشخص می‌شود. در صورتی که قرارداد یادشده برای مناقصه‌ای خاص منعقد شود، باید برنامه زمانی با تاریخ‌ها و مهلت‌های زمانی اعلامی از سوی مناقصه‌گزار هماهنگ باشد و به عنوان پیوستی از قرارداد پیش‌بینی شود. همچنین وفق این بند شروط مالی پیشنهاد نیازمند توافق همه طرفین است (Haghegh 2016: 41). علاوه بر این، در خصوص نحوه شرکت طرفین در مذاکرات نیز روش‌های مورد پذیرش طرفین پیش‌بینی می‌شود.

ارائه اطلاعات

به موجب قرارداد شرکت در مناقصه، هر یک از طرفین که دارای اطلاعاتی تأثیرگذار در تهیه پیشنهاد است باید آن‌ها ارائه کند.

محرمانگی

به موجب این بند طرفین قرارداد ملزم به حفظ محرمانگی اطلاعات مبادله‌شده تحت قرارداد شرکت در مناقصه هستند. علاوه بر این، ممکن است طرفین، به جای درج شرط محرمانگی در قرارداد، به انعقاد قرارداد محرمانگی به صورت مجزا اقدام کنند.

رهبر مشارکت

از میان طرفین قرارداد، شخصی به عنوان رهبر مشارکت برای پیگیری امور، به نمایندگی از سوی سایر اعضا، تعیین می‌شود. تعهدات وی به تفصیل در قرارداد مشخص می‌شود. رهبر مشارکت باید تعهدات متقبله را به گونه‌ای مناسب و کارآمد و بدون اینکه منتفع یا متحمل هزینه‌ای شود انجام دهد. اصولاً مسئولیت وی محدود به تقصیر عمدی می‌شود که در این خصوص طرفین باید توافق کنند.

کمیته مدیریت

رهبر اقداماتش را تحت نظارت کمیته مدیریت انجام می‌دهد و هزینه‌ها، جز در موارد اضطراری، باید مورد تأیید این کمیته قرار گیرد. اصولاً مقرره‌های ناظر به کمیته مدیریت جنبه‌های رویه‌ای آن، از جمله تشریفات ابلاغ‌ها به نمایندگان طرفین و تعداد و نحوه برگزاری جلسات و وضعیت صورت جلسات، را پوشش می‌دهد.

مسئولیت‌های طرفین

طرفین به میزان مشارکتشان در منافع در رابطه با اقدامات راهبر که برای ایفای تعهدات انجام داده در مقابل اشخاص ثالث مسئول خواهند بود. هیچ‌یک از طرفین در خصوص خسارات تبعی در نتیجه اجرای تعهدات تحت قرارداد شرکت در مناقصه در مقابل سایر شرکا مسئول نیست؛ اما در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت دارد.

نقض تعهدات ناظر به پرداخت

هر یک از طرفین مشارکت باید سهم توافقی خود را از هزینه‌های مطالعه و ارائه پیشنهاد مشترک پرداخت کند. در صورت نقض این تعهد، سایر طرفین باید مبلغ متناظر را پرداخت و به شخص ناقض تعهد مراجعه کنند. در قرارداد ممکن است، در شرایطی، نقض این قبیل تعهدات خروج از مشارکت محسوب شود. در این صورت باید زمان خروج و مسئولیت‌های ناشی از نقض تعهدات پیش‌بینی شود و نگرانی‌ها و شرایط مورد نظر کارفرمای پروژه مدنظر قرار گیرد.

رویه تصمیم‌گیری

لازم است در قرارداد رویه تصمیم‌گیری در خصوص امور مربوط به مشارکت به تفصیل مشخص شود. بدین منظور، بندی در قرارداد تحت عنوان رویه تصمیم‌گیری درج می‌شود که دربرگیرنده

نحوه تصمیم‌گیری، حد‌نصاب لازم برای اتخاذ تصمیمات لازم برای موضوعات مختلف از جمله شرکت در مناقصات، پیشنهاد مالی، و ... است. در این بند باید در خصوص این فرض که برخی از اعضا تمایلی به مشارکت ندارند نیز تعیین تکلیف شود.

واگذاری قرارداد

به موجب این مقرر هر یک از طرفین برای انتقال حقوق و تعهدات خود به شخص ثالث باید موافقت سایر اعضا را اخذ کنند (حاتمی و کریمیان ۱۳۹۳: ۴۷۷). ازین‌رو، باید به توانایی مالی و فنی شخص ثالث، به منظور احراز معیارهای تعیین‌شده، توجه شود. این وضعیت سبب کاهش احتمال نارضایتی سایر اشخاص خواهد شد. تنها مواردی که طرفین ممکن است لزوم موافقت سایر اعضا را پیش‌بینی نکنند انتقال قرارداد به شرکت وابسته است.

علاوه بر این، موضوع دیگری که ممکن است مطرح شود ادغام یا خرید سهام اکثریت یکی از اعضا است. در این شرایط باید این موضوع به سایر اعضا اطلاع داده شود. در قرارداد ممکن است مواردی، از جمله خروج آن طرف از مشارکت یا اختیاراتی برای سایر اعضا، پیش‌بینی شود.

خاتمه قرارداد

خاتمه قرارداد ممکن است در نتیجه واگذار شدن پروژه یا شکست در اخذ پروژه (به هر دلیل، از جمله انتخاب اشخاص دیگر به عنوان برنده مناقصه)، عدم تمایل اعضا به تداوم روابط، و ... باشد. همچنین، خاتمه ممکن است بین همه طرفین یا با یکی از آنها حادث شود.

انحصار

قراردادهای شرکت در مناقصه به صورت مشترک اصولاً متضمن شرط یا شروطی ناظر به انحصار است؛ بدین معنی که طرفین ملزم به مشارکت و اقدام از طریق آن در حدود موضوع تعیین‌شده و عدم مشارکت با سایرین‌اند (Katz: 540 et al 2017). ازین‌رو، طرفین از ارائه پیشنهاد به طور جداگانه یا در قالب مشارکتی دیگر ممنوع می‌شوند. با توجه به اینکه ممکن است هر یک از طرفین برای دور زدن ممنوعیت از طریق شرکت‌های تابعه اقدام به ارائه پیشنهاد کنند، ضروری است در تنظیم این شرط اعمال آن در خصوص شرکت‌های وابسته و تابعه نیز مدنظر قرار گیرد.

در زمان تنظیم بند ناظر به ممنوعیت از اقدام خارج از مشارکت باید به قوانین حوزه رقابت نیز

توجه شود. علاوه بر این، باید محدودیت‌هایی نیز برای طرفی که زودتر از مشارکت خارج شده و تمایلی به ادامه مشارکت ندارد پیش‌بینی شود.

قرارداد جوینت ونچر

زمانی که اجرای پروژه حفاری نیازمند مشارکت پیمانکاران متعدد است، پیش از واگذاری پروژه یا پس از اخذ آن و در پی قرارداد شرکت در مناقصه به صورت مشترک پیمانکاران به انعقاد قراردادهای جوینت ونچر اقدام می‌کنند. جوینت ونچر سازوکاری حقوقی برای مشارکت در فعالیتی تجاری، که به منظور دستیابی به اهداف طرفین تنظیم می‌شود، تعریف شده است (حکیمیان ۱۳۸۴: ۳۸ - ۳۹). جوینت ونچر ممکن است در قالب قرارداد، شرکت، یا ترکیبی از آن دو و حتی در برخی موارد با رفتار عمل ارادی طرفین ایجاد شود بدون اینکه طرفین قبل از آن قرارداد یا تفاهم‌نامه‌ای امضا کنند یا به ایجاد شرکتی بپردازند (حکیمیان ۱۳۸۴: ۳۹). در پروژه‌های حفاری، با توجه به پیچیدگی آن‌ها، جوینت ونچر همواره بر مبنای قرارداد انجام می‌شود.

به طور کلی، سه نوع جوینت ونچر وجود دارد: شرکتی، مشارکت یا غیرشرکتی، و کنسرسیوم (Shishido et al 2015: 135). در دسته اول مشارکت به شکل یک شخص حقوقی ایجاد می‌شود (اشمیتوف ۱۳۷۸: ۵۲۳) و اصولاً طرفین قالب شرکت‌هایی را انتخاب می‌کنند که مسئولیت محدود دارند. محدود بودن مسئولیت اصلی‌ترین دلیل شکل‌گیری این دسته از شرکت‌هاست. در این صورت شرکت مالک اموال است، تعهدات قراردادی را می‌پذیرد، و ساختار مدیریتی مشخصی دارد. دسته دوم بر مبنای مشارکت (غیرشرکتی) قرار می‌گیرد. در این حالت شرکا به موجب معاملات منعقد شده برای جوینت ونچر متعهد می‌شوند. تفاوت این قبیل جوینت ونچرها با دسته اول در حوزه مسئولیت‌هاست؛ در این دسته شرکا منفرداً و متضامناً مسئول‌اند. دسته سوم، یعنی ساده‌ترین شکل جوینت ونچر، کنسرسیوم است که مبنای قراردادی دارد. تحت این قرارداد طرفین برای تشکیل گروهی از پیمانکاران مستقل موافقت می‌کنند. در برخی از سیستم‌ها در شرایطی که طرفین به پذیرش مسئولیت تضامنی تحت مشارکت تمایل نداشته باشند، اقدام به انعقاد قراردادهای کنسرسیوم می‌کنند. در این حالت هر یک از طرفین مسئول اقدامات خود هستند، بدون اینکه موضوع مسئولیت مشترک مطرح باشد (Campbell 2009: 15). بنابراین، مسئولیت هیچ‌یک از

طرفین سبب مسئولیت سایرین نمی‌شود. اما سود حاصله بین آن‌ها تقسیم می‌شود. با وجود باور به مسئولیت انفرادی هر یک از اعضا، در این قبیل سیستم‌ها، در خصوص پروژه پذیرفته‌شده توسط همه اعضای کنسرسیوم، مسئولیت مشترک و تضامنی آن‌ها پذیرفته می‌شود (Shishido et al 2015: 135-136). برخی نظام‌ها جوینت ونچر قراردادی و کنسرسیوم را یکسان می‌دانند.

در صورتی که دو یا چند پیمانکار به اجرای قرارداد حفاری به صورت مشترک تمایل داشته باشند مشارکت خود را در قالب جوینت ونچر قراردادی یا کنسرسیوم شکل می‌دهند. ازین‌رو، طرفین اقدام به مذاکره به منظور انعقاد این مشارکت می‌کنند. طرفین در طول این مدت ممکن است تفاهم‌نامه یا قصدنامه‌ای^۱ برای ثبت توافقات صورت پذیرفته منعقد کنند. اصولاً قصدنامه متضمن مقرره‌هایی است که مرحله مذاکره را توضیح و به طرفین اجازه پیگیری برخی تمهیدات مقدماتی را برای اجرای قرارداد می‌دهد.

تکمیل مذاکرات به انعقاد قرارداد جوینت ونچر منتهی می‌شود که علاوه بر شروط مشترک دربردارنده شروط دیگری است که در ادامه می‌آید:

- هدف جوینت ونچر از جمله شرح همکاری طرفین؛
- مدت زمان و موضوعات تحت پوشش جوینت ونچر؛
- تعریف و تبیین تعهدات خاص و مشروح اعضا؛
- برنامه زمان‌بندی و رویه‌هایی که طرفین باید اجرا کنند؛
- لزوم ارائه اطلاعات مورد نیاز برای مشارکت و پیش‌بینی تعهدات پاسخگویی؛
- اصول اساسی برای تعیین نحوه کنترل جوینت ونچر (مثلاً مشارکت در سرمایه و درصد مالکیت، حقوق تعیین مدیر، تعیین مدیر، و ...)
- نحوه و اصول اساسی تقسیم درآمد و پیش‌بینی مکانیسمی برای تقسیم سود یا زیان؛
- تعهد به امتناع از اخذ پروژه مشابه یا هر اقدامی در رقابت با مشارکت؛
- مسئولیت‌های انفرادی طرفین و نحوه مشارکت آن‌ها در صورت بروز خسارت به اشخاص ثالث و نحوه مراجعه آن‌ها به یک‌دیگر؛

- نحوه کنترل و مدیریت مشارکت؛

- رویه‌های مختلف تصمیم‌گیری و نمایندگان صالح طرفین برای تصمیم‌گیری.
با توجه به تنوع قراردادهای اصلی حفاری، مشارکت طرفین ممکن است در قالب تأمین دستگاه حفاری، نیروی انسانی، تجهیزات و اقلام مورد نیاز، تأمین منابع مالی (در مواردی که قرارداد متضمن تعهد تأمین مالی از سوی پیمانکاران است) باشد.

قرارداد مشارکت بین کارفرمایان و پیمانکاران

همکاری در حوزه پروژه‌های نفت و گاز، از جمله حفاری، به مشارکت کارفرمایان یا پیمانکاران محدود نمی‌شود. این مهم ممکن است بین کارفرمایان و پیمانکاران، که به طور سنتی در تقابل یکدیگر قرار می‌گیرند، تحقق یابد. ازین رو، ناهماهنگی اهداف کارفرما و پیمانکار در روش‌های قراردادی رایج و تلاش برای کاهش هزینه‌ها، ایجاد محیط آزاد برای تبادل اطلاعات، حل مشکلات، بهره‌مندی از خدمات یکپارچه، و کارآمدی بیشتر پیمانکار به شکل‌گیری و تنظیم قراردادهای ائتلافی منجر شده است.

ابتدا، برای برخورداری از خدمات یکپارچه، کاهش هزینه‌های کارفرما و افزایش سود پیمانکار موضوع «پیمانکار رهبر»^۱ مطرح شد. پیمانکار رهبر مسئول ارائه طیف وسیعی از خدمات، از لوله جداره^۲ تا حفاری انحرافی^۳، است که برای تأمین خدمات مورد نظر باید شرکت‌های مختلف را به کار گیرد. در این روش، اصولاً حق الزحمه به صورت «هزینه به اضافه سود»^۴ محاسبه و صورت حساب تلفیقی به کارفرما ارائه می‌شود.

در این روش پیمانکار، ضمن ارائه همه خدمات به کارفرما، مسئول همه تعهدات و اقدامات پیمانکاران فرعی است. اما نقطه ضعف‌هایی نیز دارد. به دلیل فقدان اهداف مشترک بین پیمانکاران فرعی و کارفرما ممکن است پروژه کارآیی و نتیجه نهایی مورد انتظار را نداشته باشد. همچنین، با

-
1. Lead Contractor
 2. Casing
 3. Directional Drilling
 4. Cost Plus

توجه به نظام پرداخت (هزینه به اضافه سود) ممکن است هزینه‌های پروژه افزایش یابد؛ به‌ویژه در صورتی که نظارت یا مکانیسم مناسب کنترلی از سوی کارفرما پیش‌بینی نشده باشد.

با توجه به توضیحات فوق، برای کاهش هزینه‌های پروژه و مشارکت فعال پیمانکار در اجرا و مدیریت پروژه، گرایش به قراردادهای ائتلافی به وجود آمد. علاوه بر مسائل عملیاتی، ریسک‌های پروژه به دلیل مسائلی مانند ارتباط نامناسب و اهداف متعارض و اطلاعات ناقص افزایش می‌یابد. ازین‌رو، ائتلاف بین پیمانکار و کارفرما سبب کاهش این‌گونه کاستی‌ها می‌شود و با هماهنگی اهداف آن‌ها امکان مدیریت ریسک‌ها به طور کارآمد فراهم می‌آید.

ائتلاف رابطه‌ای قراردادی است که به موجب آن پیمانکاران در سود و زیان پروژه شریک می‌شوند. در این قرارداد باید در خصوص مبالغ قابل پرداخت یا قابل کسر توافق شود. در صورت کاهش هزینه‌ها یا تکمیل زودتر عملیات در خصوص موضوعات توافق‌شده به پیمانکاران پاداش تعلق می‌گیرد. در صورت افزون‌تر شدن هزینه‌ها از سقف تعیین‌شده مبالغی کسر خواهد شد. برای پوشش کسورات احتمالی باید در طول اجرای پروژه مبالغی اندوخته شوند که در صورت لزوم از آن مبلغ برداشت می‌شود.

ائتلاف‌ها ممکن است در ساختار متفاوت باشند. در برخی حالات قرارداد بین کارفرما و پیمانکاران اصلی منعقد می‌شود. با توجه به اینکه پیمانکاران فرعی نیز در اجرای این پروژه‌ها به کار گرفته می‌شوند ممکن است طرف قرارداد قرار گیرند. در این صورت کارفرما دارای قرارداد مستقیم با پیمانکاران فرعی است. اگر پیمانکار اصلی در مقابل کارفرما مسئول تقصیر پیمانکاران فرعی باشد، باید در تنظیم قرارداد ائتلافی نیز به این موضوع توجه و این قرارداد به گونه‌ای تنظیم شود که مانع حق کارفرما نشود. قرارداد ائتلافی محدود به اداره ائتلاف و پرداخت‌هایی است که به طور مجزا تحت آن تعلق می‌گیرد یا اندوخته می‌شود. قرارداد ائتلافی باید به‌صراحت در بردارنده این موضوع باشد که قرارداد اصلی را تغییر نمی‌دهد یا اصلاح نمی‌کند. از جمله مسائل دیگری که باید در قرارداد ائتلافی به طور دقیق درج شود فسخ ائتلاف یا قرارداد اصلی است. مثلاً، در صورت فسخ ائتلاف توسط کارفرما، پیمانکار فرعی چه حقوقی خواهد داشت. فسخ ائتلاف باید از فسخ

مشارکت یکی از پیمانکاران متمایز شود. همچنین تأثیر فسخ قرارداد اصلی بر ائتلاف نیز باید پیش‌بینی شود (Jennings 2004: 39-40).

در اوایل دهه ۱۹۹۰ شرکت بی‌پی برای اولین بار از ائتلاف جهت هماهنگی و اتحاد بین اهداف کارفرما (راهبر) و پیمانکار برای اجرای پروژه اندرو^۱ در دریای شمال استفاده کرد. اعضای ائتلاف بدین قرار بودند: شرکت بی‌پی (راهبر)، شلمبرژه آی‌پی‌ام^۲ (مدیریت تکمیل چاه و دریافت داده‌ها^۳)، بیکر هگس^۴ (خدمات حفاری یکپارچه)، ترنس‌اوشن (دستگاه حفاری متحرک)، و سانتا ف^۵ (سکو).

روابط قراردادی طرفین بر اساس دو قرارداد ارائه خدمات منعقد با کارفرما (اصلی) و قرارداد ائتلافی تنظیم می‌شد.

قراردادی متضمن همه شروط بین بی‌پی با هر یک از اعضای ائتلاف به صورت مجزا منعقد شده بود. در این قراردادها هزینه‌ها به سه دسته مستقیم و سود و بالاسری تقسیم می‌شد. پس از آغاز مرحله برنامه‌ریزی، تیم عملیات بودجه را تهیه کرد. در طول شش ماه پیش از آغاز پروژه اقداماتی از قبیل هماهنگی اهداف، تعیین بودجه، هدف‌گذاری، تعریف سازمان، آموزش، و برنامه‌ریزی چاه انجام شد. سود و بالاسری به صورت مقطوع (ثابت) تعیین و پرداخت شد. پس از آن پرداخت هزینه‌های مستقیم بر مبنای هزینه واقعی متحمل صورت می‌گرفت. این ترتیبات قراردادی دربردارنده مشوق برای اعضای ائتلاف بود؛ به گونه‌ای که نه تنها کاهش هزینه‌های مستقیم سبب کاهش سود یا بالاسری نمی‌شد، بلکه سودآوری را افزایش می‌داد. علاوه بر این مشوق‌هایی برای کاهش بالاسری وجود داشت که در صورت اعمال سبب افزایش سود می‌شد.

دومین قرارداد قراردادی مشترک بین همه اعضای ائتلاف بود. به موجب این قرارداد ائتلافی نحوه عملکرد ائتلاف، از جمله توزیع ریسک و پاداش، در پروژه مشخص می‌شد. در قرارداد

-
1. Andrew
 2. Schlumberger IPM
 3. Data Acquisition
 4. Baker Hughes INTEQ
 5. Santa Fe

حداقل استانداردهای اجرایی تعیین می‌شود تا در صورت انطباق با آنها امکان تقسیم منافع حاصله در خصوص کارآمدی چاه را فراهم کند.

از ترتیبات ریسک و پاداش تقسیم مبلغ صرفه‌جویی شده نسبت به هزینه‌های سرمایه‌ای بود. مبالغ حاصل از صرفه‌جویی نسبت به بودجه مقرر شده برای هر فاز پروژه بین اعضای ائتلاف تقسیم می‌شد. در مقابل هزینه‌های بیشتر از بودجه تا سقف پیش‌بینی شده بر اعضای ائتلاف تحمیل می‌شد. پاداش نیز در صورت تعلق متناسب با ریسک بر عهده گرفته‌شده توسط طرفین تعیین می‌شد.

بندهای قرارداد ائتلافی اتحادی قابل ملاحظه بین کارفرما و پیمانکاران ایجاد کرد؛ به گونه‌ای که اجازه تصمیم‌گیری به نفع پروژه اندرو و ائتلاف بود. کارشناسان متخصص در کنترل هزینه برای این پروژه به کار گرفته شدند. دیدگاه یکپارچه در تغییر رویکرد نیروها از نرخ روزانه به روش مبتنی بر بودجه تأثیرگذار بود (Gomersall et al 1999: 139-140).

پروژه اندرو پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نسبت به روش‌های سنتی بود و کمک کرد عملیات چاه اقتصادی و مقرون به صرفه به پایان رسد. از جنبه‌های مثبت آن تصمیم‌گیری بر مبنای ارزش در همه سطوح، ارتباط نزدیک اعضا، استفاده از تجربیات، اتحاد اهداف، و به‌کارگیری تکنولوژی‌های جدید بود.^۱ در قراردادهای ائتلافی اصولاً هیئت پروژه دستیابی به اهداف را تضمین و هیئت نظارتی تصمیمات اصلی را اتخاذ و پرداخت‌ها را اداره می‌کند. از مسائل اساسی در طراحی ائتلاف سازماندهی برنامه‌ریزی اجرا و ارزیابی است.^۲

با توجه به این موضوع که بدون در نظر گرفتن مشوق منافع پیمانکار در افزایش هزینه کارفرماست، قراردادهای ائتلافی با پیش‌بینی مشوق‌های لازم و هماهنگی اهداف کارفرما و پیمانکاران می‌تواند بسیار مؤثر و کارآمد باشد. بنابراین، این قراردادها به منظور افزایش پرداخت‌های تشویقی و منافع طرفین در پی کاهش هزینه‌ها هستند. اصولاً، در این قراردادها اهداف و نتایج اجرایی و عملکردی برای تعلق مشوق پیش‌بینی می‌شود که این موضوع نیز

1. Ibid

2. Strategic alliances

می‌تواند سبب اجرای مطلوب‌تر و ایمن‌تر عملیات شود. ائتلاف سبب مشارکت و اتحاد در اهداف، بهبود ارتباطات، و افزایش کارآمدی پیمانکاران می‌شود (Carr & Howell 1994: 233) و حول محور یگانگی اهداف به وجود می‌آید.

با وجود این، عده‌ای قائل به عدم کارایی این روش‌اند. بیازای^۱ بر آن است که این شیوه در طول زمان به علت عدم اعتماد بین طرفین از بین رفته است. به باور او، کارفرمایان (راهبران) و پیمانکاران منافع متعارض دارند. پیمانکاران به دنبال حداکثرسازی منافع خودند؛ درحالی‌که هدف راهبران کاهش هزینه‌هاست. مذاکره و هدف‌گذاری برای تاریخ‌ها و کارایی مشخص دشوار است. ضعف اصلی مدل ائتلاف ایجاد نکردن و توسعه ندادن اهداف مشترک بین پیمانکاران و راهبران است. همچنین، به باور بیازای هزینه ائتلاف برای خدمات مورد نظر از قیمت‌های بازار بسیار بیشتر است. به نظر این نویسنده مدل ائتلاف در اوایل سال ۲۰۰۰ منسوخ شده است (Beyazay-Odemis 2016: 55).

نتیجه

در پروژه‌های حفاری اصولاً کارفرمایان یا پیمانکاران به منظور کاهش هزینه‌ها، دستیابی به اهداف عملیاتی، افزایش قدرت رقابتی، و ... اقدام به انعقاد قراردادهای مشارکت می‌کنند. ازین‌رو، با توجه به اینکه مشارکت بین کارفرمایان یا پیمانکاران باشد قراردادهای مختلفی منعقد می‌شود. قراردادهای به‌اشتراک‌گذاری دستگاه حفاری و قراردادهای حفاری مشترک ناظر به مشارکت از سوی کارفرمایان، قراردادهای شرکت در مناقصه به صورت مشترک، قراردادهای جوینت ونچر ناظر به مشارکت از سوی پیمانکاران، و قراردادهای ائتلافی ناظر به مشارکت کارفرمایان و پیمانکاران است. قراردادهای مذکور اقتضائاتی خاص، متناسب با صنعت حفاری، دارند. برخی از آن‌ها همانند به‌اشتراک‌گذاری دستگاه حفاری و حفاری مشترک مختص این حوزه‌اند و سایر قراردادهای دیگر بخش‌های صنعت به عنوان مفهومی مشترک استفاده می‌شوند، به منظور سازگاری با ویژگی‌های صنعت حفاری اقتضائات و بندهایی خاص دارند. در تنظیم همه این قراردادها باید به شرایط اقتصادی و شرایط خاص عملیات حفاری توجه شود. میزان مشارکت

طرفین، پذیرش مسئولیت و جبران خسارت، نحوه کنترل و مدیریت مشارکت از موضوعات مهمی هستند که در تنظیم مشارکت‌هایی متناسب با خصایص این حوزه تأثیرگذار خواهند بود. به‌رغم این موضوع که این دسته از قراردادها می‌توانند در اجرای بهینه و کارآمد پروژه‌های حفاری مؤثر باشند، برخی از آن‌ها تا کنون در ایران منعقد نشده‌اند و حتی فعالان حقوقی و قراردادی صنعت نیز با آن‌ها آشنا نیستند که از آن‌ها می‌توان به قرارداد به‌اشتراک‌گذاری دستگاه حفاری اشاره کرد که می‌تواند نقشی بسزا در کاهش هزینه‌ها و ریسک‌های کارفرمایان داشته باشد.



منابع

۱. اشمیتوف کلايوام (۱۳۷۸). حقوق تجارت بين الملل، ترجمه بهروز اخلاقی و همکاران، سمت، ج ۱.
۲. حاتمی، علی و اسماعیل کریمیان (۱۳۹۳). حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری، تیسرا.
۳. حکیمیان، علی محمد (۱۳۸۴). «بررسی ماهیت و ساختار جوینت ونچر»، حوزه و دانشگاه، س ۱۱، ش ۴۴، صص ۳۳ - ۵۹.
4. Beyazay-Odemis Basak (2016). *The Nature of the Firm in the Oil Industry - International Oil Companies in Global Business*, 1st ed, Routledge.
5. Campbell Dennis (2009). *International Joint Ventures*, 1st ed, Kluwer Law International.
6. Carr, A. J. & Howell, P. O. (1994). "The Alliance: An Alternative Approach to Integrated Drilling Services", SPEIADC 27456, pp. 231-239.
7. Gomersall, S. D., Klein, R. J., Clark Graham, Sneddon Ian, & Simpson Michael (1999). "Andrew Well-Engineering Alliance: A New Industry Model", SPE Drill. & Completion, Vol. 14, No. 2, pp. 139-143.
8. Haghegh Nadia (2016). "Joint Study and Bid Agreement", in Roberts Peter, *Oil and Gas Contracts, Principles and Practice*, 1st ed, Sweet & Maxwell.
9. Jennings Anthony (2004). *Oil and Gas Exploration Contracts*, 2nd ed, Sweet & Maxwell, Thomson Reuters.
10. Jennings Dennis (2000). *Petroleum Accounting: Principles, Procedures & Issues*, 5th edn, Professional Development Institute.
11. Katz, William M. Jr., Clemons, Catherine, Dimock, Alexander, T. (2017). *Minimizing Antitrust Risks in Joint Ventures, Joint Bidding, and AMLs: A Review of Recent Enforcement Activities*, Oil and Gas, Natural Resources, and Energy Journal, Vol. 2, Issue 5, pp. 533-541.
12. Moomjian Cary. A. (2012). "Drilling Contract Historical Development and Future Trends Post-Macondo: Reflections on a 35 Year Industry Career", IADC/SPE 151442, pp. 1-13.
13. Pugh William W. (2012). "Rig Sharing Agreements-A Review of Some of the Key Issues", *International Upstream Energy Transactions*, pp. 1-12.
14. Rainy QC Simon, "The Construction of Mutual Indemnities and Knock-For-Knock Clauses", in Soyer. Baris and Lettenborn, Andrew, *Offshore Contracts and Liabilities*, 1st ed, Informa Law from Routledge.
15. Shishido Zenichi, Fukuda Munetaka, Umetani Masato (2015). *Joint Venture Strategies, Design, Bargaining and the Law*, 1st ed, Edward Elgar Publishing.
16. Smith Ernest, E., Dzienkowski John, S., Anderson Owen, L., Lowe John, S., Kramer Bruce, M., Weaver Jacqueline, L. (2010). *International Petroleum Transaction*, Rocky Mountain Mineral Law Foundation.